



An Analysis of Urbanism, Community and Neighborhood in the Modern Metropolis (Case Study: Tehran Metropolis)

Soleimani Meranjani, M^{a,1}., Shamaei, A^a., Parizadi, T^b., Ahmadi, M^c

^a Associate Professor of Geography and Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran.

^b Assistant Professor of Geography and Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran.

^c PhD Student in Geography and Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Research Article

ABSTRACT

Objective: Neighborhood as a "spatial" and historical phenomenon has usually had two dimensions: explicit or implicit territory, and the other is a "special social group". Spatial matching of neighborhood and the local community, especially in metropolitan areas, was discussed in the urban literature. Explaining the process of this divergence and the impact of urbanism on it in the scale of Tehran metropolitan neighborhoods has been the main issue of this article.

Methods: This research was of the survey-analytical type, and the method of data collection was documentary-field. The statistical population is Tehran's metropolitan neighborhoods that, based on a classification, five neighborhoods have been selected by purposive sampling. Quantitative and statistical methods including one-sample t-test, one-way ANOVA, Tukey post hoc test, and multivariate regression were used to analyze the data.

Results: The results showed that despite the changes caused by modernity, it is still possible to distinguish a range of neighborhoods from the community's characteristics in the metropolis of Tehran. The level of neighborhood identity in Tehran's sample neighborhoods has been relatively high; however, this situation has not led to the formation and improvement of their residents' interactions and internal social solidarity. The results also showed that all indicators of urbanism as an independent variable had significant relationships and negative effects on the community's characteristics in the sample neighborhoods.

Conclusion: However, the findings of this article indicate the existence of fields and capital of the community in the sample neighborhoods of Tehran; However, based on the basic idea of the research, it should be noted that promoting and strengthening the spatial matching of community and neighborhood is the basic condition for creating, improving and recreating existing neighborhoods within the framework of modern metropolitan discourse and urbanism of Tehran metropolitan scale.

Keywords: Urbanism, Neighborhood, Community, Modern Metropolis, Tehran.

Received: October 11, 2020 Reviewed: January 15, 2021 Accepted: February 27, 2021 Published online: March 21, 2021

Citation: Soleimani Meranjani, M, Shamaei, A., Parizadi, T., Ahmadi, M (2021). *An Analysis of Urbanism, Community and Neighborhood in the Modern Metropolis (Case Study: Tehran Metropolis)*. Journal of Urban Social Geography, 8(1), 243-265. (In Persian)

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2041](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2041)

¹ Corresponding author at: Kharazmi University, Tehran, Iran, P.C: 15719-14911. E-mail address: m_soleimani_mehr@yahoo.com (Soleimani Meranjani, M).



تحلیلی بر شهرگرایی، اجتماع محلی و محله در مادرشهر نوین (نمونه: مادرشهر تهران)

محمد سلیمانی مهرنجانی^۱، علی شماعی^۲، طاهر پریزادی^۳، مظهر احمدی^۴

^۱ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

^۲ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مقاله پژوهشی

چکیده

تبیین موضوع: محله به‌عنوان پدیده‌ای «فضامند» و تاریخی به‌طورمعمول، دارای دو بعد بوده است: یکی قلمرو صریح یا ضمنی و دیگری یک «گروه اجتماعی خاص» که از نظر ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از همگونی نسبی برخوردار بوده است. اما با ظهور عصر مدرن واگرایی بین دو بعد پیش‌گفته آغاز گردید و به مرور زمان در قالب عدم انطباق فضایی محله و اجتماع محلی به‌ویژه در مادرشهرها در ادبیات شهرشناسی مطرح شد. تبیین فرآیند این واگرایی و تأثیر شهرگرایی در آن در مقیاس محله‌های مادرشهر تهران مسأله اصلی مقاله حاضر بوده است.

روش: این پژوهش از نوع پیمایشی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها، اسنادی-میدانی بوده است. جامعه آماری محله‌های مادرشهر تهران بوده که بر مبنای یک گونه‌بندی از محله‌های تهران، پنج محله با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کمی و آماری، شامل آزمون تی تک‌نمونه‌ای، آزمون آنوای یک‌طرفه، آزمون تعقیبی توکی و رگرسیون چند متغیره بهره گرفته شده است و یافته‌های مربوط در چارچوب نظریه هدایت‌گر پژوهش تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که به‌رغم تحولات ناشی از نوگرایی، کماکان می‌توان طیفی از محلات را نسبت به ویژگی‌های اجتماع محلی در مادرشهر تهران تشخیص داد. در حالت کلی، سطح هویت محله‌ای در محله‌های نمونه تهران نسبتاً بالا بوده است؛ لیکن این وضعیت، سبب شکل‌گیری و بهبود تعاملات و همبستگی اجتماعی درونی ساکنین آن‌ها نشده است. همچنین نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره نشان داد تمامی شاخص‌های شهرگرایی به‌عنوان متغیر مستقل دارای روابط معنی‌دار و اثرات منفی بر ویژگی‌های اجتماع محلی در محله‌های نمونه بوده‌اند.

نتایج: هرچند یافته‌های این مقاله حاکی از وجود زمینه‌ها و سرمایه‌های اجتماع محلی در محله‌های نمونه تهران است؛ لیکن، بر اساس ایده بنیادی پژوهش، باید توجه داشت که ارتقاء و تقویت انطباق فضایی اجتماع محلی و محله، شرط اساسی ایجاد، بهبود و بازآفرینی محله‌های موجود در چارچوب گفتمان مادرشهری نوین و شهرگرایی مقیاس مادرشهر تهران است.

کلیدواژه‌ها: شهرگرایی، محله، اجتماع محلی، مادرشهر نوین، تهران.

دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۰/۲۶ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹ انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱
استناد: سلیمانی مهرنجانی، محمد؛ شماعی، علی؛ پریزادی، طاهر؛ احمدی، مظهر (۱۴۰۰). *تحلیلی بر شهرگرایی، اجتماع محلی و محله در مادرشهر نوین (نمونه: مادرشهر تهران)*. دوفصلنامه جغرافیای شهری، ۸(۱)، ۲۴۳-۲۶۵.

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2041](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2041)

^۱ نویسنده مسئول: دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، کد پستی: ۱۵۷۱۹۱۴۹۱۱ رایانامه: m_soleimani_mehr@yahoo.com (محمد سلیمانی مهرنجانی).

مقدمه

در جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری، محله به دو معنای «واحد همسایگی» و «اجتماع محلی» مورد توجه بوده است: معنای اول، بیشتر بر ساختار فضایی، ابعاد عینی و فیزیکی محله؛ اما معنای دوم، بیشتر بر «سازمان» اجتماعی، ابعاد ذهنی و فرهنگی محله تأکید داشته است. بر اساس چنین نگرشی یک «اجتماع محلی» می‌تواند لزوماً منطبق با یک واحد همسایگی نباشد، یک واحد همسایگی نیز می‌تواند لزوماً دارای ویژگی‌های یک «اجتماع محلی»، نباشد (crow & allan, 1994., Kitchin & Thrift, 2009). «اجتماع محلی» زمانی وجود پیدا می‌کند که درجه‌ای از کنش متقابل اجتماعی^۱ و انسجام اجتماعی^۲ بر پایه وابستگی متقابل در آن توسعه می‌یابد و موجب یکسانی نسبی در آداب و رسوم، ذائقه و شیوه‌های تفکر و صحبت کردن می‌شود (ناکس و پینچ، ۱۳۹۷: ۲۸۸). آنچه در تمامی تعریف‌ها به‌عنوان رویکرد مشترک به اجتماع محلی درخور توجه است، حضور افرادی با منافع و ارزش‌های مشترک و شبکه‌های اجتماعی میان آن‌هاست؛ بنابراین، هر اجتماع محلی دارای دو بعد «مکانی» و «اجتماعی» است (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۹). به دنبال از هم پاشیده شدن ساختار سنتی شهرها و مهاجرت گسترده مردم از روستاها به شهرها و آغاز شیوه‌های جدید زندگی، ارتباط احساسی و تعلق‌خاطری که در طی سال‌ها زندگی در یک محل و با یک گروه خاص اجتماعی بین مردم و محیط به وجود می‌آمد، زمان کافی برای تحقق پیدا نمی‌کند (Gharai, 2000). امروزه با گسترش روزافزون ارتباطات، دسترسی بین نقاط مختلف شهر آسان‌تر شده است. از این‌رو، قلمروی زیست و کار انسان نیز ابعاد وسیع به خود گرفته است (غروی‌الخوانساری، ۱۳۹۶: ۶۲). برخی از پژوهشگران اعتقاد دارند که امروزه روابط محله‌ای فقط به گروه‌های منزوی که امکان جابجایی در شهر را ندارند، مربوط می‌شود و در واقع معادل «محسوریت اجتماعی»^۳ است. ریمون لدروت معتقد است که دو قطب اصلی در زندگی ساکنان شهرهای بزرگ و مدرن وجود دارد: شهر و مسکن. مقیاس محله تقریباً هیچ وجود مؤثری ندارد (Lednut, 1979). برخی دیگر از پژوهشگران معتقدند که محله هنوز هم یک منبع اجتماعی مهم برای ساکنان به شمار می‌رود و زندگی محله‌ای، تناقضی با زندگی شهری که نیازمند جابجایی‌های بسیار در سطح شهر است، ندارد (حناچی و رضایی، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۲). آنچه مشخص است رواج فرهنگ مصرفی و نیز رونق شکوفایی مادی متأثر از فرآیند نوگرایی؛ هندسه اجتماعی شهرها را چه در بعد روابط اجتماعی و چه از منظر کالبدی، هدف قرار داده است. واحدهای کوچک‌تر اجتماعی، به تدریج استقلال و قدرت عمل خود را از دست می‌دهند و محیط‌های بزرگ عاری از هویت و هدفمندی، جایگزین آن‌ها می‌شوند (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

به سخن ساده‌تر در جامعه شهری امروز به‌ویژه جوامع شهری بزرگ، موقعیت اجتماعی فرد، روابط اجتماعی او را تعیین می‌کند (شکویی، ۱۳۸۷: ۵۰۰-۴۹۹). همان‌گونه که جورج زیمل اشاره می‌کند، این شرایط جدید منجر به ایجاد یک «شخصیت مادر شهری» می‌شود. این شخصیت مادرشهری بر اساس اندیشه تونیز مبتنی بر روابط سرد، غیرشخصی و قراردادی است؛ برخلاف شخصیت روستایی که مبتنی بر روابط اجتماعی اولیه‌ی گرم اجتماع محلی است (شورچه، ۱۳۹۶: ۱۵۲). چنین تحولات کلی، زمینه اصلی شکل‌گیری مادرشهرها و به دنبال آن کلان‌شهرها در قرن بیستم بوده است که بدان «عصر مادرشهر» نیز گفته می‌شود (Doggan & Kasarda, 1988). از نظر برخی از پژوهشگران اجتماعی، شهرنشینان، صرف‌نظر از رتبه اجتماعی و پایگاه قومی آن‌ها، به شکل اجتناب‌ناپذیری نسبت به محیط‌ها و محرک‌های فیزیکی و اجتماعی پیرامونشان در قالب یک رفتار شهری غیرشخصی واکنش نشان می‌دهند. این شیوه رفتار شهری، امکان زندگی اجتماع محلی در شهر مدرن و به‌ویژه مادرشهرها را زیر سؤال برده و تضعیف می‌کند (سلیمانی و

1. social interaction

2. social solidarity

3. social constraint

همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳). انتشار خرده‌فرهنگ شهرگرایی فاصله اجتماعی بین انسان‌ها را علیرغم نزدیکی فیزیکی‌ای که دارند روزبه‌روز بیشتر نموده و به همراه آن میزان همبستگی، ارتباط و توجه افراد نسبت به یکدیگر در ابعاد عاطفی و اخلاقی کاهش پیدا کرده است (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹: ۲).

محله و اجتماع محلی از دیرباز به‌عنوان عرصه‌های کالبدی و اجتماعی در شهرهای ایران مطرح بوده و به‌عنوان اجزای عملکردی و جغرافیایی شهرها به‌شمار می‌آیند که نقش اساسی در حیات اجتماعی شهرها داشته‌اند (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۱). ظهور تغییرات ساختاری جدید (رواج مدرنیسم، تغییر ساختار اقتصاد و سیاست در ایران و گسترش شهرنشینی شتابان) از اواخر دوره قاجار به ویژه از دهه ۴۰ تاکنون، اثر عمده‌ای در تغییر و تحول ساختار و عملکرد محله‌های شهری در ایران بجای گذاشت (حنای و رضایی، ۱۳۹۴: ۳۲) که باعث از هم پاشیدگی نظام سنتی محله‌ای به‌ویژه در شهرهای بزرگ ایران شد.

تهران به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر ایران پیشرو و معرف تغییرات به وجود آمده در ساختار محله‌های شهری ایران قلمداد می‌شود. به نظر می‌رسد در یک نگاه تاریخی، مهم‌ترین حادثه این شهر پایتخت شدن آن در زمان قاجارها باشد و بقیه اتفاقات از پیامدهای این انتخاب سرچشمه می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۹۵: ۴۸). حرکت در مسیر نوگرایی (چه به لحاظ تغییرات و نوسازی کالبدی و چه به لحاظ اجتماعی) و تمرکز شدید سرمایه در راستای سیاست‌های تمرکزگرایانه باعث شکل‌گیری مهاجرت‌های عظیمی از اقشار گوناگون جمعیت به این شهر شد که حاصل آن چندفرهنگی شدن این شهر است؛ به‌گونه‌ای که طیف وسیعی از اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی در محله‌های این شهر ساکن شدند. شهرنشینی شتابان، افزایش جمعیت (بیش از ۵۰۰۰ درصد) و وسعت تهران (بیش از ۲۵۰۰ درصد) در دو قرن گذشته از یک سو و تبدیل شدن به شهری با کارکردهای چندگانه از سوی دیگر سبب شکل‌گیری یک شخصیت مادرشهری ویژه با یک هویت غیرقابل بازتولید در شهرهای دیگر ایران، برای تهران شده است. زمینه‌های یادشده، باعث تحول مفهوم و رابطه محله و اجتماع محلی در مادرشهر تهران شده است. با عنایت به آنچه گفته شد، مسأله اساسی این است که محله‌های شهری موجود در تهران (محله‌هایی که از طریق اداری و مدیریت شهری مرزبندی شده‌اند) با توجه به شرایط گفته‌شده، تا چه میزان از ویژگی‌های اجتماع محلی برخوردار هستند که بتوان از ظرفیت‌های موجود در آن‌ها برای دستیابی به محله‌های مطلوب با محتوای اجتماعی بهره برد؟ چراکه ایده‌ی پژوهش حاضر این بوده است که: «تا زمانی که امکان انطباق فضایی اجتماع محلی و محله وجود نداشته باشد، خلق مکان‌هایی با ارزش‌ها و کارکردهای محله‌ای پایدار و مطلوب امکان‌پذیر نیست». بحث اساسی دیگر این است که الزامات خاص زندگی در مادرشهر تهران و سبک زندگی تهرانی (شهرگرایی مادرشهری) چه میزان از تغییرات به وجود آمده در بحث میزان انطباق این دو مفهوم را می‌تواند پوشش دهد؟ واکاوی مفاهیمی مانند محله و اجتماع محلی و میزان انطباق و همبستگی فضایی آن‌ها در شهرها و تحلیلی که امروزه می‌توان در مقیاس مادرشهری برای این مفاهیم قائل شد، می‌تواند جایگاهی ویژه در علم جغرافیای اجتماعی شهر داشته باشد. از طرف دیگر در دهه‌های اخیر توجه به مفهوم محله، توسعه اجتماعات محلی، محله‌گرایی در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به تبعیت از پارادایم توسعه پایدار شهری و مباحثی چون نوشهرگرایی مورد توجه خاصی قرار گرفته است. پرداختن به این مهم که تا چه اندازه تغییرات گفته‌شده و الزامات زندگی در مادرشهرهایی چون تهران می‌تواند عملی شدن محله‌گرایی و توسعه اجتماع محلی را به چالش بکشد، امری ضروری است. بر مبنای آنچه مطرح شد، پژوهش حاضر برای پاسخگویی به سؤال‌های زیر انجام گرفته است:

۱. میزان انطباق محله‌های مادرشهر تهران با ویژگی‌های اجتماع محلی در چه سطحی است؟
۲. روابط و اثرات شاخص‌های شهرگرایی و سبک زندگی مادرشهری با ویژگی‌های اجتماع محلی در محله‌های مادرشهر تهران، چگونه است؟

پیشینه نظری

مقیاس‌هایی نظیر محله، به‌عنوان مهم‌ترین مقیاس سکونت در شهر، همواره بخش مهمی از دغدغه‌های فکری و حرفه‌ای محققان و مدیران حوزه شهرری را به خود اختصاص داده است. در ادبیات نظری نیز، مقیاس واحد همسایگی و محله دارای زمینه‌ای نسبتاً غنی است، به‌گونه‌ای که متناسب با چالش‌ها و مسائل زمانه، ایده‌ها و الگوهای مختلف برای ارتقای کیفیت زندگی در این مقیاس ارائه شده است. در این بین جامعه‌شناسان شهرری با تأکید بر مفهوم «اجتماع محلی» به دنبال خلق قلمروهای اجتماعی منسجم و یا بهبود آن‌ها از طریق تقویت عوامل اجتماعی در شهرها هستند. از طرف دیگر برنامه‌ریزان و اغلب جغرافی‌دانان شهرری در طی ادوار گذشته به دنبال ایجاد و یا تقویت اجتماعات محلی از طریق برنامه‌ریزی کالبدی مبتنی بر واحد همسایگی (محله) در شهرها بوده‌اند. پیشینه توجه و حساسیت نسبت به مفهوم «محله» و «اجتماع محلی» در دوره مدرن، به پژوهش انگلس (۱۸۴۴) و هنری می‌هیو^۱ (۱۸۶۱) از محله‌های زاغه‌نشین لندن در سده نوزدهم؛ مطالعات جامعه‌شناسان، تونیز (۱۸۸۷)، دورکیم (۱۸۹۳)، زیمل (۱۹۰۳)، کولی (۱۹۰۹)، پارک و همکاران (۱۹۲۵) و ویرث (۱۹۳۸)، در مکتب شیکاگو درباره گونه‌شناسی، شکل‌گیری و تحول محله‌های شهرری؛ طرح‌های باغشهر اینر هاوارد (۱۹۰۳)، در انگلستان و پس از او، طرح واحد محله‌ی کلرنس پری (۱۹۲۹) در آمریکا بازمی‌گردد که سپس از طریق دیدگاه‌های بانفوذ برخی شهرشناسان از جمله: مامفورد، جیکوبز (۱۹۶۱) و گانز (۱۹۶۲) و همزمان با آن‌ها، دستور کارهای برنامه‌ریزان شهرری دیودف (۱۹۶۵) و ارنشتاین (۱۹۶۹)، ابعاد بسیار گسترده‌تری به خود می‌گیرد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲). از مهم‌ترین نهضت‌های فکری که در چند دهه اخیر به نقد پیامدهای منشور مدرن در شهرها و محله‌ها پرداخته است، نوشهرگرایان هستند. نوشهرگرایی معتقد است که بازگشت به الگوی محلات سنتی برای ایجاد جوامع پایدار و کارا لازم است و توسعه سنتی محلات در کانون توجه آن قرار دارد (آرنت، ۱۳۸۷: ۹۳-۸۹). دو نظریه مهم در این راستا عبارت‌اند از: توسعه واحدهای همسایگی سنتی که نخستین بار توسط آندره دوانی و الیزابت زیرک مطرح شد و نظریه توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی که بانی آن پیتر کالتروپ بوده است.

مامفورد در مقاله «محله و واحدهای همسایگی» (۱۹۵۴)، بر این عقیده است که هیچ کوشش اساسی برای تعریف نظام محله انجام نگرفته است. به نظر وی محله‌های شهرری در دو جهت موردبررسی قرار گرفته است: نخست محله در بعد علمی که از تحقیقات هورتن کولی سرچشمه گرفته است. کولی، موضوع محله را تحت عنوان «سازمان اجتماعی، روند اجتماعی شدن و اجتماع چهره به چهره بر اساس بنیاد خانواده»، مورد بررسی قرار می‌داد. جهت دیگر عبارت بود از هویت محله به‌عنوان واحد فیزیکی نظام‌یافته و مهم در زندگی شهرری که دربردارنده دو بخش اساسی در ارتباط با حرکت و یگانگی اجتماعی است (Mumford, 1954: 259). از دیدگاه جامعه‌شناسی شهرری، محله‌ها عبارت‌اند از واحدهای اجتماعی که تا حدی به‌طور اتفاقی به وجود آمده و با گذر زمان، شکل ثابت و پایداری به خود گرفته و حریمی را برای خود تعریف می‌کنند. شباهت‌های موجود بین افراد آن موجب شکل‌گیری حس تعلق به گروهی خاص در میان افراد می‌شود (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹: ۱۱۹) و محله این امکان را فراهم می‌کند که افراد در یک محدوده «خودی شده» هویت خود را بازیابند (شیخی، ۱۳۸۲: ۴۰).

نگرش‌های ذهنی و عینی، دو رویکرد دیگر در تعریف محله هستند. در نگرش ذهنی توجه و تمرکز بر برداشت‌های ذهنی افراد بوده و بر صورت‌های انتزاعی و غیرملموس تکیه می‌شود و در رویکرد عینی ویژگی‌ها و کمیاتی چون: مرز مشخص کالبدی، جمعیت معین، کاربری و عملکردهای موجود مورد توجه قرار می‌گیرد (عبدالمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۴). محله یا اجتماع محله‌ای در برخی از نظریه‌های شهرری، به مفهوم پیوستگی عمیق و اتصال جمعی آمده است. در

1. Henry Mayhew

حالی که ممکن است این‌گونه پذیرفته شود که واقعیت اجتماع در شهر تنها در مقیاس محله‌ای قابل بررسی و شناخت کامل است. از این نظر، مکان جغرافیایی ممکن است تعیین‌کننده نوع زندگی اجتماعی باشد. به عبارت دیگر، فقدان اجتماع محلی، به مفهوم آن است که محله زندگی، دستخوش فقدان ارتباط شده است. بنابراین شاید بتوان این‌گونه دریافت که در یک تصویر جامعه‌شناسانه، محله و اجتماع محلی دو روی یک سکه‌اند (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۰۶). پترمن^۱ باور دارد محله به شکلی نمونه‌وار (تپیک) بیشتر به مکان یا فضای جغرافیایی گرایش دارد، ولی کامی یونیتی (اجتماع محلی) بیشتر به شیوه زندگی مشترکی همراه با نوعی عضویت رسمی یا غیررسمی که فراتر از ویژگی‌های فردی ساکنان است، اشاره دارد و یا به شیوه زندگی‌ای گفته می‌شود که مردم در آن سهیم‌اند. او مدعی است که برنامه‌ریزی محله‌ای باید چیزی بیش از فضای فیزیکی را در برگیرد؛ لذا باید به‌سوی برنامه‌ریزی کامی یونیتی حرکت کند. برخی از محققان هم معتقدند که محله، «کامی یونیتی محلی شده» است (پیران و سحرخیز، ۱۳۹۶: ۳-۶ و ۱۲) جدول (۱).

جدول ۱- شناخت مفهوم محله بر اساس عناصر و مؤلفه‌های اصلی آن در حوزه‌های علمی مختلف

مضامین مشترک	عناصر و مؤلفه‌های اصلی	حوزه‌های علمی
۱- دارا بودن محدوده مشخص در شهر	دارا بودن همبستگی و روابط متقابل؛ دارا بودن محدوده و حریم معین؛ محله به‌عنوان واحد اجتماعی	جامعه‌شناسی شهری
۲- حس همبستگی و روابط متقابل بین ساکنان	حوزه مسکونی در مقیاس کوچک؛ روابط میان ساکنان؛ افراد ساکن در یک حوزه مسکونی؛ کیفیت روابط و تعاملات	علوم اجتماعی
۳- هویت جمعی و اشتراک اهداف بین ساکنان	محدوده مشخص و معین در بافت شهر؛ رویارویی و برخورد چهره به چهره؛ تشریک‌مساعی برای مرتفع ساختن مسائل مشترک؛ هدفمندی سکونت در موقعیت مکانی معین	جغرافیای اجتماعی شهری
۴- یکپارچگی فضا و فعالیت در محدوده محله	بخش یا محدوده قابل‌شناسایی در شهر؛ هویت و موجودیت اقتصادی و اجتماعی پویا؛ توجه به معیارهای کالبدی و اجتماعی به‌صورت یکپارچه؛ محدوده شهری معین؛ دارا بودن ترکیب متوازنی از فعالیت‌ها؛ دارا بودن مرکز معین؛ وجود ارتباطات اجتماعی در ظرف مکانی	برنامه‌ریزی شهری

منبع: عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۱

نظریه‌های شهرگرایی

مهم‌ترین و بانفوذترین نظریه در مورد شیوه‌های زندگی شهری و شهرگرایی، دیدگاهی است که غالباً آن را دیدگاه جبرگرایی یا نظریه اکولوژیکی و گاهی نظریه انومی شهری نامیده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹). این رویکرد از منظر نظریه‌پردازان به دلیل متغیرهای اکولوژیکی نظیر، جمعیت زیاد و متراکم، عدم تجانس ساکنان، اقتصاد پولی، وسایل آسان ارتباطات و رفت‌وآمد و محرکه‌های شهری بر شیوه زندگی افراد تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که زندگی شهرنشینان با ساکنان دیگر مکان‌ها مثل روستا متفاوت باشد (Gould & Kolb, 1964: 738). از جمله متفکران دیدگاه جبرگرایی می‌توان از دورکیم (همبستگی مکانیکی)، زیمل (کلان‌شهر و حیات ذهنی)، فردیناند تونیز (روابط گماینشافتی (اجتماع) و گزلفاشافتی (جامعه))، نیکولا اسپایکمنه، پارک (مکتب شیکاگو) و لوئیس ویرث (شهرگرایی به‌مثابه شیوه جدید از زندگی) نام برد. از نظر بسیاری از اندیشمندان اجتماعی، بیگانگی، مصنوعی بودن، فردگرایی و تکثر محیط‌های شهری اثرات بنیادی بر رفتار انسانی و سازمان‌دهی اجتماعی داشته است (ناکس و پینچ، ۱۳۹۷: ۲۲۴-۲۲۵). تصویری که دورکیم از جامعه شهری ارائه می‌کند عبارت است از: از بین رفتن صمیمیت، ظهور روابط قراردادی، جایگزین شدن همبستگی مبتنی بر تمایز و به هم‌وابستگی کارکردی به‌جای همبستگی مبتنی بر تجربه مشترک، آزادی بیشتر افراد به دلیل گمنامی

¹. Peterman, 2000

آن‌ها و همچنین تقلیل کنترل‌های سنتی در شهر (شارع پور، ۱۳۸۹: ۱۱۹). تونیز مفهوم جامعه در دوران نوین را مترادف با زندگی شهرنشینی گرفته است. از نظر او علت دگرگونی‌های جوامع انسانی بیش از هر چیز دیگر ناشی از روابط انسانی میان افراد است (شیخی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). وی به تقابل دو نوع زندگی اجتماعی گماینشافت یا اجتماع که ویژگی اجتماعات کوچک است و گزلفاشت یا جامعه که ویژگی شهرهای بزرگ است، پرداخت. به اعتقاد او ویژگی‌های گماینشافت عبارت‌اند از: وجود سنت‌های مشترک، روابط صمیمی، وجود دشمن و دوست مشترک و احساس خودی که نوعی انسجام اجتماعی مبتنی بر احساسات و اهداف مشترک است و در مقابل ویژگی‌های گزلفاشت مبتنی بر رفتار عقلانی و حسابگری مردم و به فکر منافع خود بودن است (شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

زیمل که از جمله اندیشمندان کلاسیک در میان جامعه‌شناسان شهری است (تاجبخش، ۱۳۸۶: ۱۹۸) در مقاله کلان‌شهر و حیات ذهنی بر این باور است که در شهر، فرد به‌ناچار در مقابل هجوم محرک‌های بی‌شماری قرار می‌گیرد و اگر بخواهد در مقابل هر کس واکنش نشان دهد، انرژی عاطفی زیادی لازم دارد. بدین‌سان فرد به‌جای واکنش عاطفی، اصولاً به شیوه‌های عقلانی واکنش نشان می‌دهد. زیمل معتقد است انسان شهری وقت‌شناس، حسابگر، بی‌تفاوت در برابر محرک‌های بی‌شمار محیط شهری، دارای گرایش ذهنی مبتنی بر رفتاری احتیاط‌آمیز، تودار و خویشتن‌دار، بی‌خبر از همسایه و سرد و خشک است (زیمل، ۱۹۰۳). دیدگاه جبرگرایی در مورد شهر و شهرنشینی با نظریات لوئیس ویرث به اوج خود می‌رسد (لطیفی، ۱۳۹۱: ۱۴). او معتقد است هرچه جمعیت بیشتر، متراکم‌تر و دارای ناهمگونی بیشتر باشد، خصوصیات مربوط به شهرگرایی بیشتر خواهد بود. انسان شهری از یک طرف میزان مطمئنی از آزادی یا رهایی از نظارت‌های شخصی و عاطفی گروه‌های صمیمی را به دست می‌آورد و از طرف دیگر، بیان طبیعی اخلاقی و احساس مشارکت را که از زندگی کردن در یک جامعه‌ی منسجم به دست می‌آید، از دست می‌دهد (Wirth, 1938: 8).

در این بین صاحب‌نظران و اندیشمندان نیز بوده‌اند که با دیدگاهی متعادل‌تر و ترکیبی به ارائه نظریات در ارتباط با ابعاد شهرنشینی و شهرگرایی پرداخته‌اند. نظریه ترکیبی بر وجود پیوندهای قوی و گروه‌های به‌هم‌پیوسته متعدد در میان شهریان تأکید می‌کند، اگرچه به تفاوت‌های روانی-اجتماعی شهریان و روستاییان معترفند؛ اما آن را حاصل عواملی غیر اکولوژیک نظیر تفاوت‌های طبقاتی، سن، جنسیت، قومیت، وضعیت تأهل، وضعیت تحصیلات، نوع شغل و پیشینه افراد می‌دانند و نه ناشی از زندگی شهری؛ یعنی شیوه‌های زندگی که در شهرها یافت می‌شود منحصر و محدود به شهر نیست و هر جای دیگری نیز می‌توان آن را پیدا کرد. به‌طور کلی در این دیدگاه شهرنشینی، لزوماً با شهرگرایی به معنی شیوه خاص زندگی همراه نیست. از جمله نظریه‌پردازان این دیدگاه، لوئیس، استون، رایز، وایت، جاکوبز و گانس (گانز) هستند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۱: ۲۵-۲۴). به نظر گانز عوامل اکولوژیکی مخصوصاً اندازه، تراکم جمعیت و ناهمگونی گروه‌های شهری هیچ‌گونه تعارض مستقیم و تأثیر جدی در زندگی افراد شهرنشین ندارد (Ganz, 1969: 34). وی به دنبال مطالعه کلاسیک خود دربارهٔ محدوده‌ی «انتهای غرب بوستن»، بیان می‌کند که نیازی نیست در غم از دست دادن شبکه‌های منسجم اجتماعی و حس همانندی همراه با زندگی روستایی بنشینیم؛ زیرا چنین ویژگی‌هایی در بخش درونی شهر و در قالب مجموعه‌ای از «روستاشهرها» وجود دارند. این نگرش با عنوان «اجتماع محلی حفظ‌شده» شناخته می‌شود. در مجموع تحقیقات گانز و هم‌فکران ایشان نشان داد که در شهر گروه‌های مختلف با شیوه‌های زندگی متفاوتی به سر می‌برند و چنین نیست که مطابق نظر جبرگرایان، زندگی شهری نوعی انسان منحصربه‌فرد پرورش می‌دهد. آن شخصیت سرد و حسابگر شهری مفروض در تحلیل‌های ویرث و هم‌فکران اکولوژیست وی راه، تنها می‌تواند گاهی در میان دسته‌ای از جهان‌وطنان یا مجردان و زوج‌های بی‌بچه شهری پیدا کرد (رحمانی فیروزجاه و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۱). در ادامه‌ی این رویکردها، فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان عمده‌ترین محور تحول و توسعه هزاره سوم و تحت تأثیر قرار دادن همه جنبه‌های اجتماعات و حیات انسانی، سبب ظهور دیدگاه‌هایی جدید در حوزه مسائل شهری

شده است (فرین مهر و خطیبی، ۱۳۹۱: ۳۷۳). از نظر کاستلز تعریف فضای شهری جدید به این صورت تغییر می‌کند: فضای شهری بخشی از فضای فیزیکی و فضای سایبرنتیک قابل دسترس شهر است که محل تعاملات اجتماعی می‌گردد (Castells, 2009). گیدنز، جان شورت، کاستلز و هاروی به‌گونه‌ای وضعیت فعلی را فشردگی زمان و مکان می‌نامند. بنابراین عصر جدید اقدام به دگرگون کردن روش مشاهده و حتی درک فضائی ما از محیط کرده است. از برجسته‌ترین فناوری‌های ارتباطی عصر نوین، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است که عامل نوینی در ساختن و شکل دادن به اجتماعات جدید است و تأثیرات عمیقی بر جنبه‌های اجتماعی زندگی مردم به‌ویژه شهرنشینان در جوامع گوناگون گذاشته است. افراد در مواجهه با این فضا و تکثر منابع در ساخت هویت، دچار تعلیق (به معنی معلق بودن و سردرگمی) تردید و اضطراب می‌شوند (معمار و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۵). محله‌های شهری و اجتماعات محلی به‌عنوان یک گروه اجتماعی مکان‌مند نیز به‌ویژه در مادرشهرها از ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی به‌شدت تأثیر می‌پذیرند به‌گونه‌ای که بخشی از ویژگی‌های مهم محله مانند روابط اجتماعی چهره به چهره، تعلق و هویت مکانی به محله، روابط همسایگی و ... در این سبک جدید از زندگی شهری به سمت زوال سوق می‌یابد (فاضلی، ۱۳۹۲: ۲۴۰).

به‌عنوان نتیجه و چارچوب فکری مناسب برای این پژوهش، می‌توان چنین گفت که دیدگاه ترکیب‌گرایان اگرچه متعادل‌تر بوده و بر وجود انواع گروه‌های اجتماعی در شهر تأکید می‌ورزد، اما قرارگیری این گروه‌ها در قالب محله‌های جغرافیایی را چندان مورد توجه قرار نمی‌دهند. به همین دلیل، پژوهش حاضر با تاسی از دیدگاه جبرگرایان، شهرگرایی را یکی از عوامل مهم در کم‌رنگ شدن ویژگی‌های اجتماعی در محله‌های شهری می‌داند. با ظهور شهرهای بزرگ و مادرشهرها پس از انقلاب صنعتی و شروع دوران نوگرایی، دیدگاه جبرگرایان درباره‌ی شهرگرایی و شیوه‌های خاص زندگی در این‌گونه شهرها، بیشتر مطرح شده است؛ از این‌رو، تأکید پژوهش بر کاربرد دیدگاه مذکور در شهرهای بزرگ و مادرشهرها بوده است چراکه شهرهای سنتی، میانی و کوچک‌اندام در فضایی دیگر قابل بررسی است. به‌عبارت‌دیگر، الزامات زندگی در مادرشهرها و شهرهای بزرگ به‌نوعی متفاوت از دیگر شهرها می‌باشد و به نظر می‌رسد همین امر زمینه‌ساز عدم شکل‌گیری اجتماعات محلی در قالب محله‌های موجود در مادرشهرهایی شبیه به تهران شده است.

پیشینه عملی

از جمله تحقیقات تجربی انجام‌شده در خصوص موضوع پژوهش که مورد توجه مقاله حاضر قرار گرفته است می‌توان به تحقیقاتی بدین شرح اشاره کرد: رابرت و همکاران^۱ (۱۹۷۸)، «ارتباطات و حس اجتماعی در محله‌های کلان‌شهری»؛ کلود فیشر^۲ (۱۹۸۲)، «کنش متقابل اجتماعی افراد در شهر»؛ سواروپ و مورنوف^۳ (۲۰۰۶)، «ساخت اجتماع محلی: مفهوم محله در قالب سازمان اجتماعی»؛ ارکیب فیزان^۴ (۲۰۱۰)، «ارتباط بین محله و اجتماع محلی در آنکارا، مقایسه محله مرکزی و حومه شهر». علاوه بر آن در سطح داخلی نیز می‌توان به تحقیقات دیگری از جمله پژوهش‌های پاکزاد (۱۳۶۶)، «واحد‌های همسایگی»؛ رهنمایی و همکاران (۱۳۸۶)، «سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران»؛ عبداللهی و همکاران (۱۳۸۸)، «بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران»؛ عبدالله‌زاده طرف و همکاران (۱۳۸۹)، «بسط مفهوم محله با آناطومی مفهوم اجتماع»؛ جلائی‌پور و عبدالله‌پور (۱۳۹۰)، «تمایز شهرگرایی و شهرنشینی در مناطق کردنشین ایران»؛ شمعی و جهانی (۱۳۹۰)، «بررسی اثرات توسعه عمودی

1. Robert et al

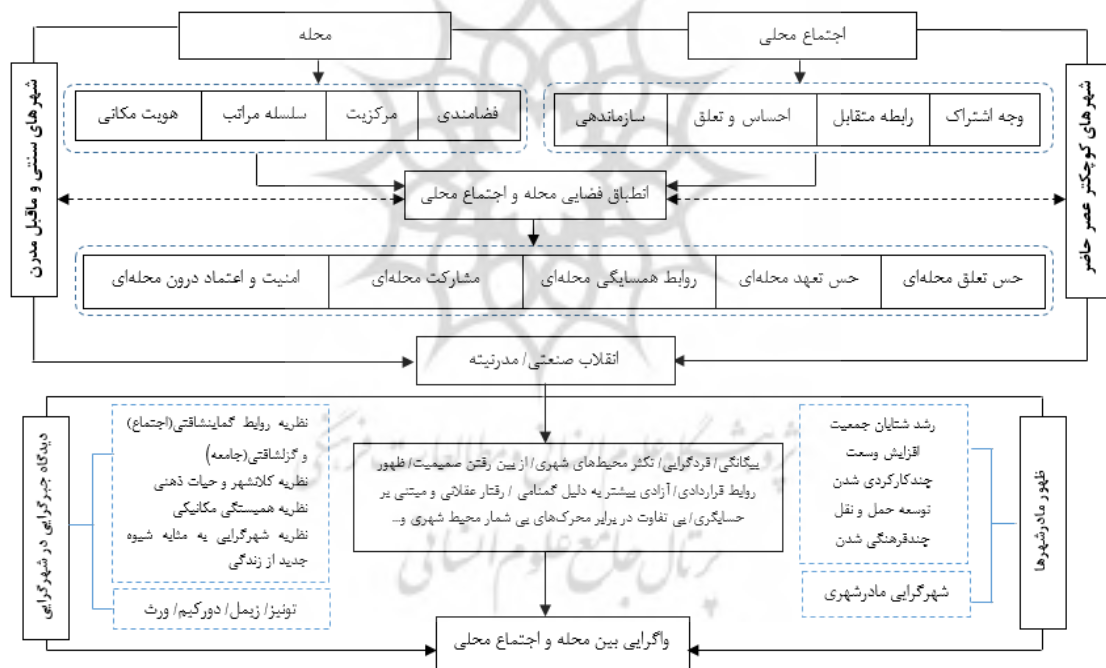
2. Fisher

3. Swaroop & Morenoff

4. Feyzan

شهر بر هویت محله‌ای مطالعه موردی، منطقه ۷ تهران»؛ موسوی و صفری (۱۳۹۶)، «رشد شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای»؛ زمان‌زاده دربان (۱۳۹۶)، «سنخیت‌شناسی عوامل تأثیرگذار بر «هویت و حس مکان» در سیر تحول «نظریه محله» با رویکرد فراتحلیل»؛ سلیمانی مهنرجانی و همکاران (۱۳۹۷)، «تحلیل پیامدهای تراکم کاربری‌های شهری و فراشهری بر کارکرد محله‌ای (مورد پژوهش: منطقه ۱۲ کلان‌شهر تهران)»؛ حسینی و سلطانی (۱۳۹۷)، «تحلیل تطبیقی مفهوم محله در نظام سنتی شهرهای ایران با الگوهای مشابه (جایگزین) دوره معاصر»؛ احمدی (۱۳۹۸)، «عدم انطباق فضایی محله‌های شهری تهران» و سلیمانی مهنرجانی و همکاران (۱۳۹۸)، «بررسی بر ساخت محله و اجتماع محلی در گفتمان‌های شهرشناسی و برنامه‌ریزی شهری (نگاهی به تجربه جهانی و ایران)» اشاره کرد.

همان‌طور که بیان شد موضوع محله و اجتماع محلی از سوی اندیشمندان و پژوهشگران رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی شهری، مردم‌شناسی، معماری، جغرافیای شهری، اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری موردتوجه قرار گرفته و از زوایای خاص به آن نگریسته‌اند. در این پژوهش از نتایج تحقیقات پیش‌گفته استفاده شده است، اما آنچه پژوهش حاضر را متمایز می‌سازد، نحوه برخورد با موضوع است که در یک قالب منسجم هر دو مفهوم محله و اجتماع محلی و مصداق آن را به‌صورت تجربی در مادرشهر تهران در چارچوب دیدگاه جغرافیای اجتماعی شهر بررسی می‌کند.



شکل ۱- مدل تحلیلی پژوهش؛ (منبع: نگارندگان بر اساس یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

داده‌ها و روش‌شناسی

این پژوهش از نوع پیمایشی-تحلیلی و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها اسنادی-میدانی بوده است. داده‌های میدانی از طریق مصاحبه، مشاهده و عکس فراهم شده است. برای عملیاتی کردن متغیرها با استفاده از مبانی نظری و تحقیقات پیشین، شرایط و زمینه‌های خاص اجتماعی-فرهنگی شهر تهران، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌هایی در ارتباط با ویژگی‌های اجتماع محلی و شهرگرایی استخراج شده است. همان‌گونه که در جدول (۲) ذکر شده است، دو بعد و سه مؤلفه، نه شاخص در قالب ۶۶ گویه (سؤال) برای سنجش وضعیت ویژگی‌های اجتماع محلی و شهرگرایی در مادرشهر تهران

تعریف شده است. قابل ذکر است در ارزش‌گذاری هریک از سؤالات از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (به ترتیب از کدهای ۵، ۴، ۳، ۲، ۱) استفاده شده است. مهم‌ترین روش برای شناخت وضعیت ویژگی‌های اجتماع محلی و شهرگرایی، پرسشگری از ساکنان محله است؛ چراکه کارآمدی این شیوه رویکرد (پدیدارشناسی، بررسی‌های میدانی، مصاحبه و پرسشنامه) توسط بسیاری از محققان حوزه شهری ثابت شده است. پرسشنامه محقق ساخته بوده است که روایی آن بر اساس نظر اساتید و صاحب‌نظران و پایایی آن بر اساس آلفای کرونباخ با ضریب $0/805$ تأیید شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های کمی - آماری (توصیفی و استنباطی) شامل آزمون تی تک‌نمونه‌ای، آزمون آنوای یک‌طرفه، آزمون تعقیبی توکی و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

جدول ۲- ضریب پایایی شاخص‌های پژوهش بر اساس آلفای کرونباخ^۱

نوع متغیر	بعد	مؤلفه	شاخص	تعداد گویه	ضریب پایایی (Alpha)
متغیر وابسته	اجتماع محلی	هویت محله‌ای	۱- حس تعلق و دلبستگی مکانی به محله	۹	$0/885$
			۲- حس تعهد محله‌ای	۵	$0/750$
متغیر مستقل	شهرگرایی	تعاملات و همبستگی اجتماعی	۱- روابط همسایگی	۸	$0/768$
			۲- مشارکت رسمی و غیررسمی در سطح محله	۶	$0/865$
			۳- اعتماد و امنیت اجتماعی در سطح محله	۷	$0/754$
متغیر مستقل	شهرگرایی	شهرگرایی	۱- سبک زندگی مادرشهری	۷	$0/774$
			۲- روابط اجتماعی در شهر	۴	$0/823$
			۳- منفعت‌گرایی فردی	۴	$0/828$
			۴- فناوری‌های نوین ارتباطی	۶	$0/750$
جمع	۲	۳	۹	۶۶	$0/805$

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس مطالعات نظری، ۱۳۹۹

جدول ۳- گونه‌شناسی محلات تهران بر اساس ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی

ردیف	نوع محله	محلّه منتخب	منطقه	ناحیه	محدوده جغرافیایی	جمعیت (سال ۹۵)	تعداد نمونه
۱	منزلت دار (فرداست، مدرن)	رستم‌آباد	منطقه ۳	۳	شمال تهران	۵۶۶۹۷	۱۰۰
۲	سنتی و دارای ساختار بومی	چلیلی	منطقه ۱۷	۲	جنوب تهران	۲۰۸۲۵	۱۰۰

^۱ نظریه پایه برای تعریف مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش نظریه جبرگرایی شهرگرایی اندیشمندی چون زیمل، دورکیم، ویرت و تونیز و عصر اطلاعاتی کاستلز بوده است (رابرت و همکاران، ۱۹۷۸؛ ارکیب فیژان، ۲۰۱۰؛ صرافی و همکاران، ۱۳۸۶؛ عبدالله‌زاده طرف و همکاران، ۱۳۸۹؛ موسوی و صفری، ۱۳۹۶؛ زمان‌زاده دربان، ۱۳۹۶؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۸) رک: صص ۲ تا ۹ مقاله.

۱۰۰	۲۵۰۴۰	مرکز تهران	۳	منطقه ۱۲	سنگلج	مهاجرپذیر با تنوع قومی بالا	۳
۱۰۰	۴۷۸۲۷	جنوب غرب تهران	۵	منطقه ۱۸	خلیج فارس شمالی	محلات کارگری	۴
۱۰۰	۴۵۸۸۷	شرق تهران	۷	منطقه ۴	شمیران نو	متناقض و مسئله دار	۵

منبع: قادری، ۱۳۹۴، آمار سرشماری مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵ و یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جامعه‌ی آماری پژوهش، محله‌های مادرشهر تهران بوده است که برای بررسی موضوع، محله‌های نمونه به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. در این پژوهش انتخاب محله‌های نمونه بر اساس «طرح گونه شناسی فرهنگی، اجتماعی و هویتی محلات شهر تهران و شناسایی الگوهای همسایگی و اجتماعات محلی» (قادری، ۱۳۹۴)، به عنوان سندی فرادست انجام گرفته است. در این طرح، گونه‌بندی نهایی محله‌های تهران بر اساس شاخص‌هایی مانند پایگاه اقتصادی، پایگاه اجتماعی، تعلق محله‌ای و... انجام شده که بر اساس آن پنج نوع محله شامل: (۱) منزلت دار (فرادست، مدرن)؛ (۲) سنتی و دارای ساختار بومی؛ (۳) مهاجرپذیر با تنوع قومی بالا؛ (۴) کارگری و (۵) متناقض و مسئله‌دار شناسایی شده‌اند. در پژوهش حاضر بر اساس دسته‌بندی طرح مذکور و محدودیت‌های موجود از هریک از گونه‌ها یک محله به عنوان نمونه انتخاب و تعداد ۵۰۰ پرسشنامه در محلات منتخب (هر محله ۱۰۰ پرسشنامه) تکمیل شده است.

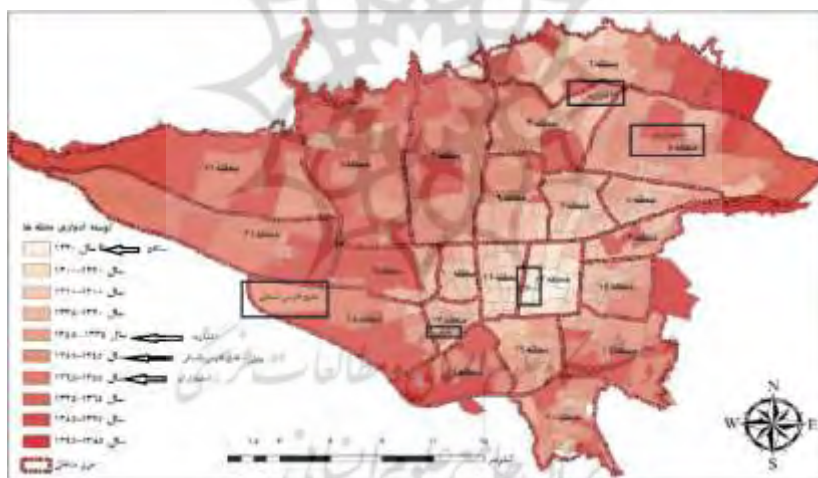


شکل ۲- محله‌های نمونه پژوهش در مادرشهر تهران

قلمرو پژوهش

قلمرو عمومی پژوهش منطبق بر مناطق ۲۲ گانه شهری مادرشهر تهران بوده است. با توجه موضوع، مقیاس موردنظر در این پژوهش، محله‌های شهری است که بر اساس مرزبندی‌های شهرداری تفکیک شده‌اند. قدیمی‌ترین سندی که به وجود محلات در تهران اشاره دارد معجم البلدان (۱۶۱۸ م، ۶۰۸ ه.ق) یاقوت حموی است که در آن ذکر شده است تهران ۱۲ محله داشته ولی نامی از آن‌ها برده نشده است. پس از آن ذکری از تعداد محله‌های تهران نشده است تا نقشه ۱۲۷۵ که در آن تهران به پنج محله اصلی تقسیم شده است: ارگ، عودلاجان، چاله میدان، بازار و سنگلج. پس از آن نیز تهران در سال ۱۳۰۹ ه.ق به شش محله اصلی تقسیم شده است: ارگ، دولت، عودلاجان، چاله میدان، بازار و سنگلج (فدایی‌نژاد و

کرم پور، ۱۳۸۵: ۶۶؛ شهری، ۱۳۵۷: ۴). پس از پایتخت شدن تهران در زمان آقا محمدخان قاجار تهران رشد خود را آغاز کرد و در دوره‌های بعدی پادشاهان قاجار نیز بر وسعت و جمعیت آن افزوده شد. به تبع آن بر تعداد محلات موجود در تهران نیز افزوده شد به طوری که هنوز بسیاری از آن محلات با همان اسم و رسم قدیم وجود دارند. شکل (۳)، شکل-گیری و توسعه‌ی محله‌های تهران را بر اساس مراحل توسعه کلان‌شهر تهران را نمایش می‌دهد. ابتدا هسته اولیه شهر با محله‌های تاریخی همچون بازار و ارگ شکل می‌گیرد و در مراحل بعدی توسعه مسیر شمالی - جنوبی را طی می‌کند. همان‌طور که نقشه نشان می‌دهد تا سال ۱۳۳۵ تنها ۲۷ درصد محله‌های تهران شکل گرفته‌اند و توسعه اصلی این شهر به بعد از سال ۱۳۳۵ بر می‌گردد، به طوری که سهم دوره‌های ۱۳۳۵-۴۵، ۴۵-۵۵ و ۵۵-۶۵ بیش از ۱۷ درصد می‌باشد. در حال حاضر از نظر تقسیمات کالبدی، کلان‌شهر تهران به ۲۲ منطقه و ۱۲۲ ناحیه شهری و ۳۷۶ محله تقسیم شده است. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۹۵، کلان‌شهر تهران ۸۶۷۹۹۳۶ نفر جمعیت در قالب ۲۹۰۷۲۳۹ خانوار داشته است که در مساحت ۶۱۵ کیلومترمربع و با تراکم ۱۴۱/۱۳ نفر در هکتار زندگی می‌کنند. نرخ رشد جمعیت تهران نیز در دوره‌ی ۹۵-۹۰ برابر ۲/۹ درصد بوده است. محله‌های مورد مطالعه در این پژوهش شامل پنج محله: (۱) رستم‌آباد اختیاریه در منطقه سه، (۲) شمیران نو در منطقه چهار، (۳) سنگلج در منطقه ۱۲، (۴) جلیلی در منطقه ۱۷ و (۵) خلیج فارس شمالی در منطقه ۱۸ تهران بوده است که جمعیتی در حدود ۱۹۶۲۷۶ نفر از ساکنین تهران را در خود جای داده‌اند.



شکل ۳- محله‌های نمونه پژوهش در دوره‌های تحول تاریخی کلان‌شهر تهران

(منبع: نقشه‌های پایه طرح جامع، ۱۳۸۶؛ زنگانه، ۱۳۹۶: ۲۵۱)

یافته‌ها

سنجش شاخص‌های پژوهش

نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای سنجش شاخص‌های اجتماع محلی در محله‌های نمونه نشان می‌دهد همه شاخص‌ها به غیر از شاخص امنیت و اعتماد در سطح محله، دارای سطح معناداری (۰/۰۰۰) پایین‌تر از ۰/۰۵ بوده که نشانگر معنادار و قابل بررسی بودن شاخص‌ها در حد اطمینان ۹۵٪ است. سطح معنی‌داری ۰/۱۱۲ و مثبت و منفی بودن کرانه‌های بالا و پایین در شاخص امنیت و اعتماد، عدم اختلاف بین میانگین مفروض و واقعی پژوهش را تأیید می‌کند. با توجه به این که مقیاس پرسشنامه طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (۱ تا ۵) بوده است، میانگین مفروض عدد (۳) در نظر گرفته شده است. بیشترین میانگین به دست آمده مربوط به شاخص حس تعلق و دلبستگی محله‌ای بوده که دارای اختلاف ۰/۵۵

با میانگین مفروض بوده است. همچنین میانگین حاصل شده برای شاخص حس تعهد محله‌ای برابر با ۳/۴۷ بوده که دارای اختلاف ۰/۴۷ با میانگین مفروض پژوهش بوده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که شاخص‌های روابط همسایگی، مشارکت محلی و امنیت و اعتماد به ترتیب با میانگین ۲/۵۷، ۲/۱۷ و ۲/۹۵ دارای اختلاف منفی با میانگین مفروض بوده‌اند هرچند اختلاف شاخص امنیت و اعتماد بسیار ناچیز بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت میزان حس تعلق و دلبستگی به محله و حس تعهد محله‌ای ساکنین محله‌های نمونه در تهران نسبتاً بالا بوده است. این در حالی است که میزان روابط همسایگی و مشارکت در سطح محله‌ها بسیار پایین بوده است (جدول ۴).

جدول ۴- سنجش شاخص‌های اجتماع محلی در محله‌های مورد مطالعه با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای

وضعیت شاخص	سطح اطمینان %۹۵		سطح معناداری	اختلاف میانگین	میانگین واقعی	انحراف معیار	آماره t	تعداد پرسشنامه	شاخص
	حد بالا	حد پایین							
متوسط به بالا	۰/۶۰	۰/۴۲	۰/۰۰۰	۰/۵۵	۳/۵۵	۰/۶۱۹	۱۹/۷۱	۵۰۰	حس تعلق و دلبستگی محله‌ای
متوسط به بالا	۰/۵۴	۰/۳۹	۰/۰۰۰	۰/۴۷	۳/۴۷	۰/۸۵۰	۱۲/۴۰۲	۵۰۰	حس تعهد محله‌ای
پایین	-۰/۳۶	-۰/۴۹	۰/۰۰۰	-۰/۴۳	۲/۵۷	-۰/۷۷۰	-۱۲/۴۷۶	۵۰۰	روابط همسایگی
بسیار پایین	-۰/۷۶	-۰/۹۱	۰/۰۰۰	۰/۸۳	۲/۱۷	-۰/۸۴۲	-۲۲/۱۰۳	۵۰۰	مشارکت محلی
متوسط	۰/۰۱	-۰/۱۱	۰/۱۱۲	-۰/۰۵	۲/۹۵	۰/۷۱۴	-۱/۵۹۱	۵۰۰	امنیت و اعتماد در سطح محله

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

سنجش مؤلفه‌ها و ابعاد پژوهش

بر اساس نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای، مؤلفه‌ی هویت محله‌ای که دارای دو شاخص حس تعلق و دلبستگی و حس تعهد محله‌ای ساکنین بوده، در سطح اطمینان ۹۵٪ داری مقدار معناداری ۰/۰۰۰ قابل‌قبولی بوده است. مثبت بودن حد بالا و پایین آزمون نیز نشان می‌دهد که اختلاف میانگین معناداری در این مؤلفه وجود دارد. میانگین واقعی مؤلفه‌ی هویت محله‌ای در محله‌های نمونه معادل ۳/۵۰ بوده که دارای اختلاف ۰/۵۰ با میانگین مفروض پژوهش است؛ بنابراین، نتیجه این آزمون نشان می‌دهد که سطح هویت محله‌ای در بین ساکنین محله‌های تهران به‌طور نسبی بالا بوده و ساکنین نسبت به محله خود، حس تعلق، دلبستگی و تعهد دارند. در خصوص مؤلفه‌ی تعاملات و همبستگی اجتماعی که با استفاده از سه شاخص روابط همسایگی، مشارکت، امنیت و اعتماد سنجیده شده است، میانگین به‌دست‌آمده معادل ۲/۵۶ بوده است. همچنین مقدار معناداری (۰/۰۰۰) در سطح اطمینان بالا و منفی بودن هر دو حد بالا و پایین نشان از تفاوت معنی‌دار میانگین‌ها دارد. نتیجه آزمون تی نشان می‌دهد که سطح تعاملات و همبستگی اجتماعی ساکنین محله‌های نمونه در تهران پایین‌تر از میانگین مفروض و در حد پایینی می‌باشد؛ بنابراین برخلاف هویت محله‌ای، سطح تعاملات اجتماعی در محله‌های مورد مطالعه تهران در حد پایین و محدودی ارزیابی شده است (جدول ۵).

بررسی نتایج حاصل از آزمون تی برای بعد ویژگی‌های اجتماعات محلی که از دو مؤلفه‌ی هویت محله‌ای و تعاملات اجتماعی به‌دست‌آمده است نشان می‌دهد وضعیت ویژگی‌های اجتماعات محلی در سطح محله‌های نمونه متوسط بوده است. میانگین به‌دست‌آمده تقریباً برابر با میانگین مفروض پژوهش بوده است در نتیجه سطح معنی‌داری آزمون (۰/۱۳۵) بالاتر از ۰/۰۵ بوده است. به همین ترتیب حد پایین آزمون ۰/۰۱- و حد بالا ۰/۰۸ مثبت بوده است که نشان می‌دهد تفاوت معنی‌داری بین میانگین‌ها وجود ندارد. از دیگر ابعاد این پژوهش شهرگرایی بوده که از چهار شاخص سبک زندگی

شهری، روابط اجتماعی در شهر، منفعت‌گرایی فردی و فناوری‌های نوین ارتباطی به‌دست آمده است. نتیجه آزمون نشان می‌دهد سطح شهرگرایی در میان ساکنین محله‌های تهران نیز در حد متوسط و رو به بالا بوده است. میانگین حاصل شده برای این بعد برابر ۳/۱۷ بوده که دارای اختلاف میانگین ۰/۱۷ با میانگین مفروض پژوهش (۳) بوده است. البته با توجه به نتیجه آزمون سطح کیفیت اجتماعات محلی با سطح شهرگرایی محله‌های تهران اختلاف چندانی نداشته و می‌توان گفت تقریباً هر دو بعد در سطح متوسط بوده‌اند (جدول ۵).

جدول ۵- سنجش ابعاد پژوهش در محله‌های مورد مطالعه با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای

وضعیت مؤلفه یا بعد	سطح اطمینان %۹۵		سطح معناداری	اختلاف میانگین	میانگین واقعی	انحراف معیار	آماره t	تعداد	مؤلفه/بعد	
	حد بالا	حد پایین							مؤلفه	بعد
متوسط به بالا	۰/۵۶	۰/۴۵	۰/۰۰۰	۰/۵۰	۳/۵۰	۰/۶۵۳	۱۷/۴۲۹	۵۰۰	۱- هویت محله‌ای	مؤلفه
پایین	-۰/۳۸	-۰/۴۹	۰/۰۰۰	-۰/۴۳	۲/۵۶	۰/۶۱۱	-۱۶/۰۲۱	۵۰۰	۲- تعاملات و همبستگی اجتماعی	
متوسط	۰/۰۸	-۰/۰۱	۰/۱۳۵	۰/۰۳	۳/۰۳	۰/۵۳۰	۱/۴۹۸	۵۰۰	۱- ویژگی‌های اجتماع محلی	بعد
متوسط به بالا	۰/۲۰	۰/۱۴	۰/۰۰۰	۰/۱۷	۳/۱۷	۰/۳۴۷	۱۱/۳۴۶	۵۰۰	۲- شهرگرایی	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

طبقه‌بندی محله‌ها نسبت به مؤلفه‌ها و ابعاد پژوهش

نتایج آزمون آنوای یک‌طرفه برای طبقه‌بندی محله‌های مورد مطالعه نسبت به ابعاد و مؤلفه‌های پژوهش، نشان می‌دهد که هر مؤلفه و بعد دارای سطح معنی‌داری قابل قبول بوده است. مقدار سطح معنی‌داری برای مؤلفه‌های هویت محله‌ای و تعاملات و همبستگی اجتماعی برابر ۰/۰۰۰ بوده که نشان از تفاوت معنی‌دار بین محله‌ها دارد. همچنین سطح معنی‌داری بعد اجتماعات محلی و شهرگرایی نیز تفاوت میانگین‌ها را تأیید کرده است؛ هرچند که سطح معنی‌داری بعد شهرگرایی که برابر ۰/۰۲۳ بوده تفاوت ناچیز بین میانگین‌ها را بازگو می‌کند (جدول ۶).

جدول ۶- تحلیل واریانس یک‌طرفه برای طبقه‌بندی محله‌های مورد مطالعه نسبت به مؤلفه‌های پژوهش

مؤلفه	مؤلفه/بعد		مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
	بین گروهی	درون گروهی					
هویت محله‌ای	بین گروهی	۱۶/۵۲۷	۴	۴/۱۳۲	۱۰/۴۱۹	۰/۰۰۰	
	درون گروهی	۱۹۶/۲۸۶	۴۹۵	۰/۳۹۷			
	کل	۲۱۲/۸۱۳	۴۹۹				
تعاملات و همبستگی اجتماعی	بین گروهی	۲۹/۰۲۹	۴	۷/۲۵۷	۲۲/۸۲۱	۰/۰۰۰	
	درون گروهی	۱۵۷/۴۱۴	۴۹۵	۰/۳۱۸			
	کل	۱۸۶/۴۴۳	۴۹۹				
ویژگی‌های اجتماع محلی	بین گروهی	۶/۸۶۷	۴	۱/۷۱۷	۶/۳۶۳	۰/۰۰۰	
	درون گروهی	۱۳۳/۵۶۵	۴۹۵	۰/۲۷۰			
	کل	۱۴۰/۴۳۲	۴۹۹				
شهرگرایی	بین گروهی	۱/۲۶۱	۴	۰/۳۱۵	۲/۶۴۵	۰/۰۲۳	
	درون گروهی	۵۹/۰۱۱	۴۹۵	۰/۱۱۹			
	کل						

			۴۹۹	۶۰/۲۷۲	کل		
--	--	--	-----	--------	----	--	--

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

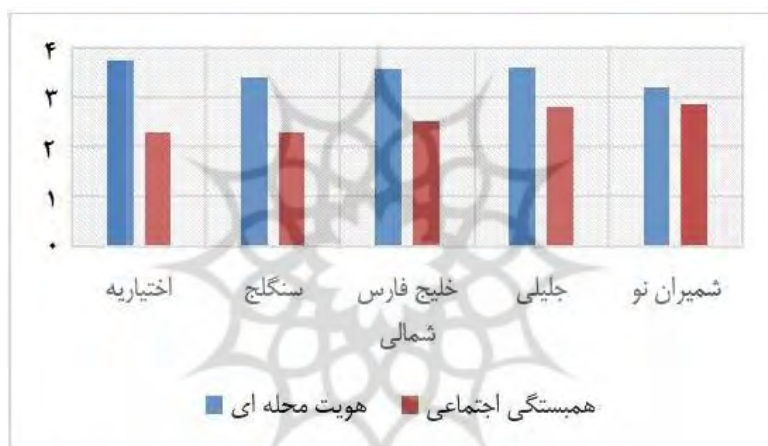
سطح‌بندی محله‌های مورد مطالعه نسبت به مؤلفه‌ی هویت محله‌ای نشان داده که محله‌ها در سه گروه طبقه‌بندی شده‌اند. بدین صورت که محله‌های جلیلی و اختیاریه با میانگین ۳/۶۱ و ۳/۷۳ بیشترین میانگین و محله‌ی شمیران نو با میانگین ۳/۲۱ کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است. می‌توان چنین تفسیر کرد که سطح هویت محله‌ای ساکنین محله‌های اختیاریه و جلیلی بیشتر از سایر محله‌ها بوده است. در خصوص دیگر مؤلفه‌ی پژوهش یعنی تعاملات و همبستگی اجتماعی در سطح محلات نتایج نشان داده که محله‌های مورد مطالعه در سه گروه دسته‌بندی شده‌اند. میزان تعاملات و همبستگی اجتماعی درون محله‌ای در محله‌های جلیلی و شمیران نو با میانگین ۲/۸۱ و ۲/۸۶ بیشتر از سایر محله‌ها بوده است. میزان تعاملات و همبستگی اجتماعی درون محله‌ای در محله‌های سنگلج و اختیاریه با میانگین ۲/۳۰ کمتر از سایر محله‌ها بوده است (جدول ۷).

جدول ۷- بررسی تفاوت میانگین‌ها در بین محله‌های مورد مطالعه با توجه به مؤلفه‌ها و ابعاد پژوهش

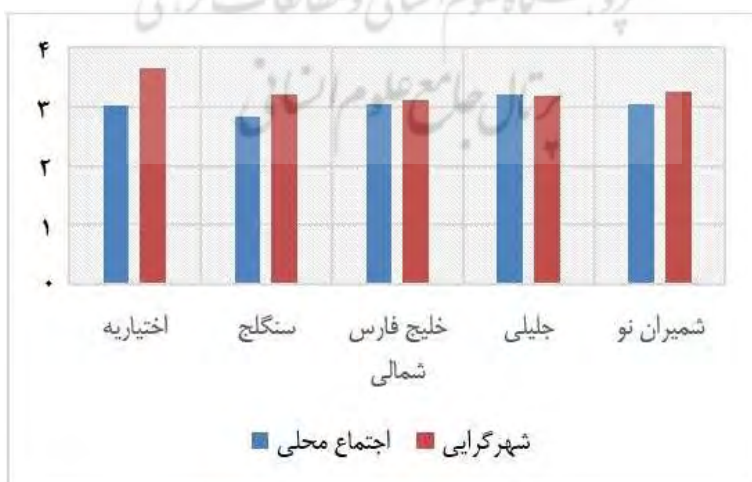
Subset for alpha = 0.05				تعداد	محلات	مؤلفه/بعد	مؤلفه
۴	۳	۲	۱				
			۳/۲۱	۱۰۰	شمیران نو	هویت محله‌ای	مؤلفه
		۳/۳۹	۳/۳۹	۱۰۰	سنگلج		
	۳/۵۷	۳/۵۷		۱۰۰	خلیج فارس		
	۳/۶۱	۳/۶۱		۱۰۰	جلیلی		
	۳/۷۳			۱۰۰	اختیاریه		
			۲/۳۰	۱۰۰	سنگلج	تعاملات و همبستگی اجتماعی	
			۲/۳۰	۱۰۰	اختیاریه		
		۲/۵۲		۱۰۰	خلیج فارس		
	۲/۸۱			۱۰۰	جلیلی		
	۲/۸۶			۱۰۰	شمیران نو		
			۲/۸۴	۱۰۰	سنگلج	ویژگی‌های اجتماع محلی	بعد
			۳/۰۲	۱۰۰	اختیاریه		
			۳/۰۴	۱۰۰	شمیران نو		
		۳/۰۵		۱۰۰	خلیج فارس		
		۳/۲۱		۱۰۰	جلیلی		
			۳/۱۰	۱۰۰	خلیج فارس	شهرگرایی	
			۳/۱۸	۱۰۰	جلیلی		
			۳/۲۰	۱۰۰	سنگلج		
		۳/۲۴		۱۰۰	شمیران نو		
		۳/۶۵		۱۰۰	اختیاریه		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

بر اساس داده‌های جدول (۷)، نتایج آزمون تعقیبی توکی در خصوص بعد اجتماعات محلی نشان داده که محله‌های مورد مطالعه در دو گروه دسته‌بندی شده‌اند. بر این اساس، در حالت کلی ویژگی‌های یک اجتماع محلی در محله‌های خلیج فارس شمالی و جلیلی بیشتر بوده است؛ چرا که میانگین به دست آمده برای هر کدام از آن‌ها به ترتیب برابر $3/05$ و $3/21$ بوده است. همچنین سطح اجتماع محلی در محله سنگلج با میانگین $2/84$ کمترین میانگین را به خود اختصاص داده و نسبت به دیگر محله‌ها نامطلوب‌تر بوده است. بعد شهرگرایی نیز محله‌های مورد مطالعه را در دو گروه قرار داده است. محله‌های شمیران نو و اختیاریه با میانگین $3/24$ و $3/65$ بیشترین میانگین و محله خلیج فارس با میانگین $3/10$ کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. می‌توان گفت که سبک و نحوه زندگی در مادرشهر در محله‌های رستم‌آباد اختیاریه و شمیران نو بیشتر خود را نشان داده است و در مقابل در محله‌های خلیج فارس شمالی و جلیلی نفوذ کم‌رنگ‌تری داشته است.



شکل ۴- مقایسه محله‌های مورد مطالعه نسبت به مؤلفه‌های پژوهش



شکل ۵- مقایسه محله‌های مورد مطالعه نسبت به ابعاد پژوهش

روابط و اثرات شهرگرایی بر ویژگی‌های اجتماع محلی

در این پژوهش برای شناسایی روابط و تأثیرات بین متغیرهای مستقل و وابسته از آماره استنباطی رگرسیون خطی چندگانه/ چند متغیره استفاده شده است؛ در واقع با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره، محقق می‌تواند رابطه خطی موجود بین مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل با یک متغیر وابسته را به شیوه‌ای مطالعه نماید که در آن، روابط موجود فی‌مابین متغیرهای مستقل نیز مورد توجه قرار گیرد. به طوری که در جدول (۸ و ۹) نشان داده شده، در این پژوهش رگرسیون خطی با استفاده از روش Enter Method انجام شده است. در این روش کلیه متغیرهای مستقل به طور همزمان وارد مدل می‌شوند تا تأثیر کلیه متغیرهای مهم و غیر مهم بر متغیر وابسته مشخص گردد (منصورفر، ۱۳۹۲: ۱۷۳). در ابتدا میزان تأثیر و ارتباط چهار متغیر مستقل سبک زندگی شهری، روابط اجتماعی در شهر، منفعت‌گرایی فردی و فناوری‌های نوین ارتباطی بر متغیر وابسته (هویت محله‌ای) در محله‌های نمونه، بررسی شده است (جدول ۸). مقدار ضریب همبستگی (R) به دست آمده بین متغیرها (۰/۶۷۱) نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پژوهش، همبستگی قوی از نوع مثبت و مستقیم وجود دارد. همچنین ضریب تعدیل شده^۱ (۰/۴۳۱) نشان می‌دهد متغیرهای مستقل توانسته‌اند به خوبی حدود ۴۳٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند؛ بنابراین، مابقی این تغییرات (۵۷٪) که به مجذور کمیت خطا^۲ معروف است، تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل می‌باشد. مقدار Sig به دست آمده کلی در آزمون آنوا برابر ۰/۰۰۰ بوده که پیوند معناداری را بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش نشان داده است. علاوه بر آن تمامی متغیرهای مستقل با سطح معناداری قابل قبول دارای رابطه معناداری با هویت محله‌ای بوده‌اند. نتایج حاصل از ضریب BETA نشان داده است متغیرهای شهرگرایی سبک زندگی شهری، روابط اجتماعی گسترده در شهر، منفعت‌گرایی فردی و فناوری‌های نوین ارتباطی به ترتیب دارای ضرایب ۰/۲۲۱-، ۰/۵-، ۰/۳- و ۰/۵۴- بوده‌اند. در نتیجه بر اساس نتایج این آزمون می‌توان تفسیر کرد که متغیرهای شهرگرایی دارای تأثیرات منفی بر متغیر وابسته بوده و بنابراین باعث کاهش ابعاد هویت محله‌ای در محله‌های نمونه مادرشهر تهران شده است. بیشترین تأثیرها نیز مربوط به شاخص‌های سبک زندگی شهری و منفعت‌گرایی فردی بوده است. حال اگر بخواهیم با توجه همین جدول، رابطه عددی و کمی این عوامل را با متغیر وابسته هویت محله‌ای بیان کنیم، با استفاده از ستون B، می‌توانیم معادله خطی به صورت زیر (رابطه ۱) داشته باشیم:

$$H = -0.167A - 0.024B - 0.189C - 0.068D \quad \text{رابطه ۱}$$

H = هویت محله‌ای؛ A = سبک زندگی شهری؛ B = روابط اجتماعی در شهر؛ C = منفعت‌گرایی فردی؛ D = فناوری‌های نوین ارتباطی

جدول ۸- روابط و تأثیرات متغیرهای شهرگرایی بر مؤلفه هویت محله‌ای در محله‌های مورد مطالعه

Sig	F	df	Sig	T	BETA	SE	B	متغیرهای پیش‌بین (مستقل)
			۰/۰۰۰	-۱۲/۸۰۳	-	۰/۲۷۸	-۳/۵۵۶	مقدار ثابت
			۰/۰۰۰	-۳/۷۷۳	-۰/۱۶۷	۰/۰۵۹	-۰/۲۲۱	سبک زندگی شهری (A)
۰/۰۰۰	۷/۵۰۲	۴	۰/۰۱۲	-۰/۵۳۵	-۰/۰۲۴	۰/۰۴۶	-۰/۰۲۵	روابط اجتماعی در شهر (B)
			۰/۰۰۰	-۴/۲۵۹	-۰/۱۸۹	۰/۰۴۳	-۰/۱۸۳	منفعت‌گرایی فردی (C)
			۰/۰۰۰	-۱/۵۴۶	-۰/۰۶۸	۰/۰۳۵	-۰/۰۵۴	فناوری‌های نوین ارتباطی (D)
Adjusted R Square = ۰/۴۳۱			R Square = ۰/۴۵۸			R = ۰/۶۷۱		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

1. Adjusted R Square

سنجش تأثیر و رابطه بین متغیرهای مستقل و دیگر متغیر وابسته پژوهش به نام تعاملات و همبستگی اجتماعی در سطح محله‌ها با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره در جدول (۹) نشان داده شده است. مقدار همبستگی مابین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش برابر ۰/۷۴۸ بوده که همبستگی نسبتاً قوی و بالایی را نشان می‌دهد، به طوری که متغیرهای مستقل توانسته‌اند در حدود ۵۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند. این میزان از تبیین نسبتاً بالا و عدد قابل قبولی را نشان می‌دهد. سطح معناداری در آزمون آنوا برابر ۰/۰۰۰ بوده که سطح معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ را برای تحلیل سایر موارد از مدل تأیید می‌کند. قابل ذکر است سطح معناداری هر چهار متغیر مستقل نیز کمتر از ۰/۰۵ بوده است. نتایج حاصل از مدل نشان می‌دهد متغیر منفعت‌گرایی فردی دارای بیشترین تأثیر بر تعاملات و همبستگی اجتماعی در محله‌های نمونه مادرشهر تهران بوده که ضریب بتای آن معادل ۰/۷۵۸ بوده است. البته نوع تأثیرگذاری این متغیر بر سطح همبستگی و تعاملات اجتماعی ساکنین محله‌ها از نوعی منفی و کاهش‌ی بوده بدین معنا که هرچه از میزان منفعت‌گرایی فردی کاسته شود بر سطح تعاملات اجتماعی ساکنین افزوده خواهد شد. همچنین متغیر-های فناوری‌های نوین ارتباطی با ضریب بتای ۰/۲۰۶- و سبک زندگی شهری با ضریب بتای ۰/۱۷۵- باعث کاهش سطح تعاملات و همبستگی اجتماعی در سطح محله‌های مورد مطالعه شده است. نتایج نشان می‌دهد روابط اجتماعی گسترده در سطح شهر با ضریب ۰/۰۶۴ دارای تأثیر مثبت بر متغیر وابسته پژوهش بوده است. بر پایه‌ی آنچه شرح داده شد می‌توان استنباط کرد که اغلب متغیرهای مربوط به شهرگرایی باعث کاهش کیفیت ویژگی‌های اجتماع محلی (در قالب متغیرهای هویت محله‌ای و تعاملات اجتماعی) در محله‌های نمونه مادرشهر تهران شده‌اند. حال اگر بخواهیم با توجه همین جدول، رابطه‌ی عددی و کمی این عوامل را با متغیر وابسته تعاملات و همبستگی اجتماعی محله‌ای بیان کنیم، با استفاده از ستون B، می‌توانیم معادله خطی به صورت زیر (رابطه ۲) داشته باشیم:

$$H = -0.175A - 0.064C - 0.206D + 0.064B$$

رابطه ۲

H = هویت محله‌ای؛ A = سبک زندگی شهری؛ B = روابط اجتماعی در شهر؛ C = منفعت‌گرایی فردی؛ D = فناوری‌های نوین ارتباطی

جدول ۹. روابط و تأثیرات متغیرهای شهرگرایی بر مؤلفه‌ی تعاملات و همبستگی اجتماعی در محله‌های مورد مطالعه

Sig	F	df	Sig	T	BETA	SE	B	متغیرهای پیش‌بین (مستقل)
			۰/۰۰۰	۴/۹۲۵	-	۰/۲۵۹	۱/۲۷۸	مقدار ثابت
			۰/۰۰۰	-۱/۴۰۰	-۰/۱۷۵	۰/۰۶۵	-۰/۰۷۷	سبک زندگی شهری (A)
۰/۰۰۰	۸/۰۳۱	۴	۰/۰۰۰	۱/۴۴۱	۰/۰۶۴	۰/۰۴۰	۰/۰۵۸	روابط اجتماعی در شهر (B)
			۰/۰۰۰	-۹/۷۴۳	-۰/۷۵۸	۰/۰۶۸	-۰/۶۶۴	منفعت‌گرایی فردی (C)
			۰/۰۰۱	-۴/۶۵۴	-۰/۲۰۶	۰/۰۵۵	-۰/۲۵۵	فناوری‌های نوین ارتباطی (D)
Adjusted R Square = ۰/۵۱۳			R Square = ۰/۵۶۱			R = ۰/۷۴۸		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش میدانی نشان داد که تفاوت‌های معناداری در شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد اجتماع محلی و محله در سطح محله‌های نمونه مادرشهر تهران وجود دارد. بدین ترتیب که هویت محله‌ای در محله‌های اختیاریه (به‌عنوان محله منزلت‌دار و مدرن) و جلیلی (به‌عنوان محله سنتی و دارای ساختار بومی) در سطح بالاتری از دیگر محله‌ها بوده است.

سطح همبستگی و تعاملات اجتماعی در محله‌های شمیران نو (به‌عنوان محله متناقض و مسئله‌دار) و جلیلی بالاتر از دیگر محله‌ها بوده است. این در حالی است که در محله‌های سنگلج (به‌عنوان محله مهاجرپذیر با تنوع قومی بالا) و اختیاریه میزان همبستگی و تعاملات اجتماعی درون محله‌ای در سطح پایین‌تری بوده است. نتیجه آزمون‌های تجربی نشان داد که سطح هویت محله‌ای در محله‌های نمونه مادرشهر تهران نسبتاً بالا است؛ لیکن این وضعیت، سبب شکل‌گیری و بهبود تعاملات و همبستگی اجتماعی درونی ساکنین محله نشده است؛ به‌گونه‌ای که سطح همبستگی اجتماعی در تمامی محله‌های نمونه پایین‌تر از حد متوسط (۳) بوده است. میزان مشارکت ساکنین در امور مربوط به محله خود چه به‌صورت رسمی و چه غیررسمی و میزان اعتماد و امنیت در سطح محله‌های مورد مطالعه در سطح پایینی ارزیابی شده است. علاوه بر آن روابط همسایگی که در شرایط پیشامدرن و حتی برخی از شهرهای معاصر پاسخگوی بسیاری از نیازهای ساکنین محلی بوده است، امروزه به سمت زوال سوق یافته است و به تأیید برخی جامعه‌شناسان این روابط بسیار ظاهری و سطحی می‌باشد. در حالت کلی میزان برخورداری محله‌های نمونه مادرشهر تهران از ویژگی‌های اجتماع محلی در سطح متوسطی ارزیابی شده است. نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد تمامی شاخص‌های شهرگرایی به‌عنوان متغیر مستقل دارای روابط و تأثیرات منفی بر مؤلفه‌های اجتماع محلی بوده‌اند. در این بین متغیرهای منفعت‌گرایی شخصی و تمایل به سبک زندگی شهری بیشترین تأثیر منفی بر هویت محله‌ای داشته و شاخص‌های منفعت‌گرایی شخصی و فناوری‌های نوین ارتباطی دارای بیشترین تأثیر منفی بر همبستگی و تعاملات اجتماعی درون محله‌ای بوده‌اند. از نظر اغلب شهروندان تهرانی، استقلال فردی، موفقیت و پی‌جویی نیازهای شخصی و خانوادگی ترجیحات و اولویت‌های اجتماعی آن‌ها محسوب می‌گردد که این امر به‌نوعی موجب کاهش همبستگی‌های اجتماعی در سطح محله‌ها شده است؛ چراکه فلسفه وجودی محله بر ارزش‌های جمع‌گرایانه متکی است. همان‌طور که در بخش نظری پژوهش مطرح شد، فناوری‌های نوین ارتباطی و فضای مجازی نیز عامل جدیدی در ساختن و شکل دادن به اجتماعات نوین است. این عامل سبب شده که گونه‌های جدیدی از همسایگی به‌ویژه در شهرهای بزرگ در حال ظهور باشد که به‌نوعی جایگزین روابط همسایگی سنتی مبتنی بر مجاورت می‌گردد.

بدین ترتیب بر اساس نتایج پیش‌گفته، از آنجایی که محله‌های تهران به لحاظ سازمان فضایی و حیات اجتماعی دارای تفاوت و تعارض هستند به‌سختی می‌توان تعمیمی کلی برای آن‌ها ارائه داد؛ چراکه طیفی از محله‌ها به لحاظ ساختارهای اجتماعی و فضایی در تهران وجود دارد که هر طیف ویژگی‌های اجتماع محلی متفاوتی دارند؛ اما در هر حال، بر اساس نتایج تجربی پژوهش، میزان انطباق محله‌های موجود در محله‌های نمونه‌ی مادرشهر تهران با ویژگی‌های اجتماع محلی در بالاترین طیف نیز از حد متوسط (میانگین مفروض پژوهش ۳) بالاتر نمی‌رود. از طرف دیگر، همان‌گونه که در بحث ادبیات نظری مطرح شد نظریه‌های شهرگرایی جبرگرایان در شرایط محله‌های تهران تا حد قابل توجهی مصداق پیدا می‌کند زیرا بر اساس یافته‌های پژوهش، شهرگرایی و شیوه‌های زندگی مادرشهری (در قالب شاخص‌های سبک زندگی شهری، روابط اجتماعی گسترده در شهر، منفعت‌گرایی فردی و فناوری‌های نوین ارتباطی)، از جمله عوامل واگرایی و کم‌رنگ‌شدن ویژگی‌های اجتماع محلی در محله‌های موجود تهران بوده‌اند؛ بنابراین ایده اولیه پژوهش حاضر مبنی بر این‌که: «تا زمانی که امکان انطباق فضایی اجتماع محلی و محله وجود نداشته باشد، خلق مکان‌هایی با ارزش‌ها و کارکردهای محله‌ای پایدار و مطلوب امکان‌پذیر نیست»، مورد تأیید قرار می‌گیرد. با این شرایط نباید انتظار بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در محله‌ها را برای دستیابی به محله‌های مطلوب با محتوا و کارکردهای اجتماعی چون برنامه‌ریزی مشارکتی محله‌محور و... داشت. درعین حال، نباید به راه افراط رفت چراکه شکل‌گیری وضعیت موجود محله‌ها تنها به علت تأثیرگذاری شاخص‌های شهرگرایی و شیوه‌های خاص زندگی در مادرشهر تهران نیست، بلکه به اعتبار نظر برخی محققان در حوزه محله و تحولات آن در مادرشهر تهران نظیر پیران (۱۳۹۶)، رهنمایی (۱۳۸۶)، فاضلی (۱۳۹۲)، صرافی

(۱۳۸۹)، موسوی (۱۳۸۷) و... از علل دیگری مانند مقیاس شهر، عدم استقلال و خودکفایی واحدهای محله در مادرشهر، توسعه‌ی نظام جابه‌جایی و حرکت در شهر، جدایی‌گزینی کار و سکونت در محله‌ها و... تأثیر می‌پذیرد که خارج از بحث این مقاله بوده است.

پیشنهادها

مسئله‌ای که باید در کانون توجه پژوهش‌های علمی، دانشگاهی و طرح‌های شهری در ارتباط با محله قرار گیرد توجه به مسأله مقیاس، مرحله رشد شهر و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم است؛ چراکه هر شهری در هر مرحله از تحولات فضایی-زمانی، محله‌های خاص خود را دارد، زیرا محله‌بندی بیانگر همان مناسبات و ساختارهای اجتماعی فضایی است که بر شهرهای هر دوره حاکم است و وضع آن مناسبات نیز تابع میزان، اندازه و حجم انباشت‌های فضایی شهر است. از این رو، بینش نوستالژیک به محله و بازتولید محله‌های مربوط به شهرهای گذشته‌ی ایران و مطرح کردن آن در قالب‌های نو به‌ویژه در فضای مادرشهری مانند تهران، امری غیرممکن به نظر می‌رسد. در چنین فضایی و با شیوه‌های برخورد چند سال اخیر، نباید انتظار بازتولید محله‌هایی با محتوای اجتماعی و به بار نشستن بحث‌هایی مانند مشارکت محله‌ای و... را داشت. تهران به‌عنوان شهر مسلط کشور در مرحله رشد مادرشهری و منطقه کلان‌شهری قرار گرفته است. در نتیجه، توسعه محله‌ای و اقدامات مرتبط با آن را باید در چارچوب الزامات مادرشهری نوین مورد توجه قرار داد. با توجه به ابعاد پیچیده و گوناگون انطباق فضایی محله و اجتماع محلی در نظام مادرشهری معاصر، عواملی علاوه بر شهرگرایی و شیوه‌ی زندگی شهری (مانند جدای‌گزینی کار و سکونت در محله‌ها، توسعه‌ی نظام جابه‌جایی و حرکت در شهر و...) بر این جریان تأثیر دارند که پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی دانشگاهی و طرح‌های پژوهشی سازمان‌های متولی امور شهر مورد توجه قرار گیرد تا ابعاد مختلف انطباق بین محله به‌عنوان یک واحد فیزیکی و اجتماع محلی به‌عنوان یک گروه اجتماعی مکان‌مند روشن‌تر شود.

قدردانی

این مقاله مستخرج از رساله دکتری آقای مظهر احمدی با عنوان «انطباق‌یابی فضایی اجتماع محلی و محله در گفتمان مادرشهری (مورد مطالعه: مادرشهر تهران)» است که در گروه جغرافیای انسانی (رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی) دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی انجام گرفته است. بدین‌وسیله از حمایت‌های آن دانشگاه قدردانی می‌شود.

References:

- احمدی، زینب (۱۳۹۸). *عدم انطباق فضایی محله‌های شهری تهران*، مجله جستارهای شهرسازی، دوره ۲، شماره ۸ (پیاپی ۵۲)، صص ۴۶-۱۰.
- آرنت، رنالد (۱۳۸۷). *منشور نوشهرگرایی*. ترجمه: علیرضا دانش - رضا بصیری مؤدھی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۹۴ ص.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۶۶). *واحدهای همسایگی*، نشریه معماری و شهرسازی، دوره ۱، شماره ۲.
- پیران، پرویز؛ سحرخیز، مهسا (۱۳۹۶). *معرفی مفاهیم پیشاهنگ: کتاب دوم: محله*. تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری، ۴۹ ص.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۶). *آرمان‌شهر فضا، هویت و قدرت در اندیشه اجتماعی معاصر*، ترجمه افشین خاکباز، تهران: نشر نی، ۳۳۶ ص.

- جلائی پور، حمیدرضا؛ عبدالله پور، جمال (۱۳۹۰). **تمایز شهرگرایی و شهرنشینی بررسی شهرگرایی در مناطق کردنشین ایران با تأکید بر شهر سردشت**. نشریه مسائل اجتماعی ایران، دوره ۲ شماره ۱، صص ۳۷-۷.
- حسینی، سیدفخرالدین؛ سلطانی، مهرداد (۱۳۹۷). **تحلیل تطبیقی مفهوم محله در نظام سنتی شهرهای ایران با الگوهای مشابه (جایگزین) دوره معاصر**. ماهنامه باغ منظر، دوره ۱۵، شماره ۶۰، صص ۲۸-۱۵.
- حناچی، پیروز؛ رضایی، نعیمة (۱۳۹۴). **بررسی عوامل مؤثر بر چگونگی سکونت در محلات، نمونه موردی: محله عودلاجان تهران**. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۴۰-۳۱.
- رحمانی فیروزجاه، علی؛ اصحابی، سیده اکرم؛ کبیری نسب، حکیمه (۱۳۹۲). **جامعه‌شناختی میزان شهرگرایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی ساری)**. مجله مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۳، شماره ۸، صص ۱۰۹-۱۳۰.
- رضازاده، راضیه؛ محمدی آیدغمیش؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۰). **توسعه اجتماع محلی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکتی در رویکرد دارایی مبنا (مطالعه موردی: محله امامزاده حسن، منطقه ۱۷ تهران)**. مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۵۵-۳۷.
- رهنمایی، محمدتقی؛ فرهودی، رحمت‌اله؛ قالیباف، محمدباقر؛ هادی پور، حلیمه خاتون (۱۳۸۶). **سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران**. فصلنامه انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، دوره ۵ شماره ۱۲ و ۱۳، صص ۴۲-۱۹.
- زمان‌زاده دربان، ززم (۱۳۹۶). **سنخیت‌شناسی عوامل تأثیرگذار بر «هویت و حس مکان» در سیر تحول «نظریه محله» با رویکرد فراتحلیل**. نشریه مدیریت شهری، دوره ۱۶، شماره ۳ (پیاپی ۴۸)، صص ۸۵-۶۵.
- زنگانه، ابوالفضل (۱۳۹۶). **تبیین تغییرات فضایی محله‌ای در کلان‌شهر تهران**، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، استاد راهنما: دکتر محمد سلیمانی مهرنجانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی.
- سلیمانی مهرنجانی، محمد؛ زنگانه، احمد؛ شورچه، محمود (۱۳۹۸). **برساخت محله و اجتماع محلی در گفت‌وگوهای شهرشناسی و برنامه‌ریزی شهری (نگاهی به تجربه جهانی و ایران)**. مجله جستارهای شهرسازی، دوره ۲، شماره ۸ (پیاپی ۵۲)، صص ۴۶-۱۰.
- سلیمانی مهرنجانی، محمد؛ زنگانه، احمد؛ کرمی، تاج‌الدین؛ آهنگری، نوید (۱۳۹۷). **تحلیل پیامدهای تراکم کاربری‌های شهری و فرانشهری بر کارکرد محله‌ای (مورد پژوهش: منطقه ۱۲ کلان‌شهر تهران)**. فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، دوره ۵ شماره ۱۷، صص ۱۶۹-۱۴۲.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۹). **جامعه‌شناسی شهری**. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۳۶۴ ص.
- شکویی، حسین (۱۳۸۷). **دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری**. جلد اول، چاپ ۱، تهران: انتشارات سمت، ۵۷۰ ص.
- شماعی، علی؛ جهانی دولت‌آباد، رحمان (۱۳۹۰). **بررسی اثرات توسعه عمودی شهر بر هویت محله‌ای (مطالعه موردی، منطقه ۷ تهران)**. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۶، صص ۸۲-۷۳.

- شورچه، محمود (۱۳۹۶). **جغرافیای شهری معاصر**. مبانی و کاربرد، انتشارات پرهام نقش، تهران، ۵۳۲ ص.
- شهری، جعفر (۱۳۵۷). **گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تهران قدیم**. جلد اول، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۳۰۶ ص.
- شیخی، محمد (۱۳۸۲). **ساختار محله‌ای در شهر در سرزمین‌های اسلامی**. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۲، ۶۸ - ۳۹.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۹۰). **جامعه‌شناسی شهری**. چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۳۲۰ ص.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۶۹). **انسان‌شناسی و شهرنشینی**. نامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره یک (۴)، جلد دوم، صص ۲۲۶-۱۹۸.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۱). **طرح بررسی جامعه‌شناسی روابط همسایگی در شهر تهران**. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- عبدالله‌زاده طرف؛ بهزادفر، مصطفی؛ نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹). **بسط مفهوم محله با آناتومی مفهوم اجتماع**. مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۲، شماره ۷، صص ۱۰۴-۸۹.
- عبداللهی، مجید؛ صرافی، مظفر؛ توکلی‌نیا، جمیله. (۱۳۸۹). **بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران**. نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۲، شماره ۷۲، صص ۱۰۳-۸۲.
- غروی‌الخوانساری، مریم (۱۳۹۶). **از محله سنتی تا محله معاصر؛ کندوکاوی در راهکارهای احیاء هویت محلی در شهر امروز**. مجله معماری و شهرسازی آران‌شهر، شماره ۲۱، صص ۷۶-۶۱.
- فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۹۲). **فرهنگ و شهر چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری**. چاپ سوم، تهران: نشر تیس، ۴۰۰ ص.
- فدایی‌نژاد، سمیه؛ کرم پور، کتابون (۱۳۸۵). **تحلیل اثر تغییرات کالبدی عناصر شاخص محله بر بافت عودلاجان (از دوره قاجار تا به امروز)**. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۸، صص ۷۴-۶۵.
- فرین‌مهر، رضا؛ خطیبی، سید محمدرضا (۱۳۹۱). **بررسی تأثیرات شهر الکترونیک بر ساختار کالبدی شهر، نمونه مورد مطالعه فردیس کرج**. معماری و شهرسازی آرمان شهر، دوره ۵، شماره ۹، صص ۳۸۵-۳۷۵.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۵). **انسان‌شناسی فرهنگی شهر تهران**. انتشارات تیس، ۵۱۶ ص.
- قادر، صلاح‌الدین (۱۳۹۴). **طرح مطالعه و انجام گونه‌شناسی اجتماعی و فرهنگی محلات شهر تهران**. مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، کارفرما: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- قاسمی، وحید؛ نگینی، سمیه (۱۳۸۹). **بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان**. مطالعات و پژوهش‌های منطقه‌ای، دوره ۲، شماره ۷، صص ۱۳۶-۱۱۳.
- لطیفی، غلامرضا (۱۳۹۱). **مدیریت شهری**. تهران: نشر علم، ۱۷۶ ص.

معمار، ثریا؛ عدلی پور، صمد؛ خاکسار، فاتره (۱۳۹۱). *تسبکه های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تاکید بر بحران هویت ایران)*. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۷۶-۱۵۵.

منصورفر، کریم (۱۳۹۲). *روش های آماری*. چاپ ۱۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۴۱۲ ص.

موسوی، سید یعقوب؛ صفری، سحر (۱۳۹۶). *رشد شهرداری و احساس تعلق محله ای*. فصلنامه برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه ای، دوره ۲، شماره ۳، صص ۶۲-۳۱.

موسوی، یعقوب (۱۳۸۷). *بازسازی محله های شهری در چارچوب برنامه ریزی توسعه اجتماعی محله ای*. مجله مطالعات اجتماعی ایران دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۳۳-۹۹.

ناکس، پل؛ پینچ، استیون (۱۳۹۷). *مقدمه ای بر جغرافیای اجتماعی شهر*. مترجم: محمود شورچه، تهران: انتشارات پرهام نقش، ۵۱۵ ص.

Castells, M (2009). *Communication Power*. New York, Oxford University Press, 592 pages.

Crow, G., Allan, G (1994). *Community Life: An Introduction to Local Social Relations*. (Harvester/Wheatsheaf) London, 256 pages.

Dogan, M., Kasarda, J,D (1988). *The Metropolis Era: A World of Giant Cities*. Newbury Park, CA: Sage Publication, 400 pages.

Erkip, F (2010). *Community and neighborhood relations in Ankara: An urban-suburban contrast*. *Cities*, 27(2), pp. 96-102.

Fischer, C.S (1982). *To Dwell Among Friends: Personal Networks in Town and City*. Chicago: Univ, 459 pages.

Kitchin, R., Thrift, N (2009). *International encyclopedia of human geography*. Elsevier, 8250 pages.

Gans, H,G (1969). *Urbanism and Suburbanism as ways of life*. in R.E. Phal(Ed), *Readings in Urban Sociology*, Oxford: Pergamon Press: 95-117.

Gharai, F (2000). *Generic principles of neighbourhood design, with particular reference to Tehran* (Doctoral dissertation, University of Sheffield).

Gould, J., Kolb, W.L (1964). *A Dictionary of the Social Sciences*. London: Tavistock Publication, 761 page.

Swaroop, S., Morenoff, J.D (2006). *Building community: The neighborhood context of social organization*. *Social Forces*, 84(3), pp. 1665-1695.

Ledrut, R (1979). *Sociologie urbaine*. Paris, PUF, 231 pages.

Mumford, L (1954). *The Neighborhood and the Neighborhood Unit*. *Town Planning Review*, 24: 256-70.

Doolittle, R. J., MacDonald, D (1978). *Communication and a sense of community in a metropolitan neighborhood: A factor analytic examination*. *Communication quarterly*, 26(3), pp. 2-7.

Wirth, L (1938). *Urbanism as a Way of Life*. *American journal of sociology*, 44(1), pp. 1-24.